جرعه‌های معرفت

شرح حدیث معصومین(ع)
در کلام رهبر انقلاب

یاد مرگ
علاج فریفتگی به دنیا

فِی الکافی عَنِ الباقر(علیه‌السلام) أَکثِر ذِکرَ الموت ،فَإنَّهُ لَم یُکثِر ذِکرَهُ إنسانٌ إلّا زَهِدَ فِی الدُّنیا[1]

امام باقر(ع) فرمود: یاد مرگ را در ذهن خودت افزایش بده؛ زیاد به فکر مردن باش، زیرا هیچ انسانی نیست که یاد مرگ در او زیاد باشد مگر اینکه نسبت به دنیا بی‌رغبت می‌شود.

مشکلات عمده ماها به خاطر رغبت در دنیا است؛ این مظاهر زندگی دنیا از مال و ثروت و تجمل و زیبایی‌ها و قدرت و زور و اعتبار و مانند اینها که همه‌اش دنیاست، رغبت به این دنیا، به این مظاهر دنیوی است که ماها را می‌لغزاند. البته این‌جور نیست که این مظاهر دنیا بد باشند؛ نه، «أَلمالُ وَالبَنونَ زینَةُ الحَیاةِ الدُّنیا»[2] هیچ توبیخ نشده کسی برای داشتن مال یا برای داشتن فرزندان و خانواده و از این قبیل[تلاش کند]؛ آن چیزی که [به ما] ضرر می‌زند، میل افراطی و شدید به این مظاهر است که انسان را در سر دوراهی‌ها به یک سمت غلط می‌کشاند؛ آنجایی که انسان باید فداکاری کند نمی‌کند؛ آنجایی که باید انفاق کند نمی‌کند. اشکال عمده ما انسان‌های ضعیف در زندگی دنیا همین است، رغبت زیادی به دنیا، عشق به دنیا، فریفتگی به دنیا. علاج این فریفتگی چیست؟ ذِکرُ الموت، أَکثِر ذِکرَ الموت، إکثار ذکر موت؛ [اینکه] زیاد انسان به یاد مرگ بیفتد.

---

۱) الشافی، ص ۸۷۶
۲) بخشی از آیه ۴۶ سوره کهف
أَلْمَالُ وَالْبَنُونَ زِینَةُ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَالْبَاقِیَاتُ الصَّالِحَاتُ خَیْرٌ عِنْدَ رَبِّکَ ثَوَابًا وَخَیْرٌ أَمَلًا،مال و فرزندان زینت زندگی دنیایند و ماندگارهای نیکو (مانند اعتقادات حقّه و فضائل نفسانی و عمل‌های نیک) در نزد پروردگار تو از نظر پاداش بهتر و از نظر امید (به بازتاب دنیوی و اخروی آن) نیکوتر است.

* شرح حدیث در ابتدای درس خارج، ۹۴/۲/۱۶
* پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب

در محضر امام خمینی(ره)

پرهیز از القاب

وقتی «تحریر الوسیله» حضرت امام در نجف اشرف چاپ شد، مطابق رسوم نجف، پشت جلد لقبهایی از قبیل آیت‌الله العظمی زعیم الحوزات العلمیه و... نوشته شده بود. این کار تازه‌ای نبود و کسی هم در این کار تقصیری نداشت. متصدیان کار و چاپخانه همان طور که برای دیگر مراجع تقلید عمل می‌کردند، در مورد این کتاب نیز انجام داده بودند.

وقتی حضرت امام (ره) متوجه شدند که پشت جلد تحریرالوسیله این لقبها ذکر شده است، با کمال قاطعیت از توزیع کتاب جلوگیری کردند و دستور دادند که لقبها برداشته شود. بالاخره دست‌اندرکاران مجبور شدند که چیزی از چاپخانه تهیه کنند و روی این لقبها بزنند به طوری که هیچ کدام از آنها قابل خواندن نباشد، الان تحریرالوسیله‌های چاپ اول این چنین است و از پشت جلد آن معلوم است که چیزی نوشته شده و خط خورده است.

* آیت‌الله محمد حسین قدیری، ستاره‌ای که درخشید، مرتضی نظری، دفتر اول، چاپ دهم، سال ۱۳۸۰، ص ۲۸.

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

خرید و فروش ماهی‌های حرام گوشت

س: خرید و فروش ماهی‌های بدون فلس در بازار جهت خوردن انسان یا جهت خوراک دام و طیور جایز است؟

ج: خرید و فروش ماهی‌های بدون فلس برای خوردن جایز نیست ولی اگر منافع عقلایی حلال مثل خوراک دام و طیور داشته باشد خرید و فروش آن به قصد مزبور مانع ندارد.

تصویرسازی قیامت در قرآن

یکی از کارهای بزرگ تربیتی قرآن ، تصویرسازی قیامت است. قرآن قاب تصویر عظیمی از صورت قیامت است.

این قاب تصویر درست مثل یک مدرسه است که باید در مدارس و مراکز تربیتی تدریس شود.

این تصویر اجزایی دارد از جمله آن، نوع صورت انسانها در آن روز است.

صورت انسانها در آن روز تماشایی است. خداوند در قرآن بالصراحه می‌فرماید که جهنم را برمی داریم و به محشر می‌آوریم « و جیء یومئذ بجهنم» و لذا جهنم را همه می‌بینند «و برزت الجحیم لمن یری».

حالا ملاحظه می‌شود کسی که پرونده‌اش سیاه است وقتی چشمش بـه جهنم می‌افتد چه حالـی و قیافه‌ای پیدا می‌کند؛ این قیافه را ما نمی‌توانیم تصویر کنیم ولی خداوند تصویر کرده است.

در سوره آل عمران آیه ۱۰۶ فرموده آن روز روزی است که بعضی صورت‌ها سفید و بعضی سیاه است و در سوره زمر آیه ۶۰ به رسول خدا فرمود در آن روز کسانی را که آیات ما را زیر پا گذاشتند می‌بینی در حالی که صورتشان سیاه شده است، و در سوره ملک فرمود کفار می‌گویند این قیامتی که شما از آن خبر می‌دهید کی رخ می‌دهد؟ بگو علم آن پیش خداست و من جز انذار آشکار وظیفه‌ای ندارم اما همین قدر می‌گویم که وقتی کفار آن روز را می‌بینند صورت آنها از شدت غم ،سیاه سیاه می‌شود و گفته می‌شود این همان روزی است که شما آن را انکار می‌کردید ؛ و بیان تکمیلی در سوره یوسف است که می‌فرماید قانون این عالم این است که اگر نیکویی و کار زیبا کردید به همان اندازه و بلکه بیش از آن به نیکویی می‌رسید و صورت نیکوکاران سیاهی و غبار و ذلت نمی‌بیند، جزای انسانهای نیکوکار، بهشت دائمی است و کسانی که دنبال سیئات رفتند به طور حتمی سیئه و ذلت، آنها را احاطه خواهد کرد و از طرف خداوند هیچ عنایتی به آنها نخواهد شد و هر کس صورت آنها را نگاه کند خیال می‌کند قطعه‌ای از شب تاریک، صورت آنها را در برگرفته است؛ جزای چنین‌اشخاصی بی‌تردید آتش دائمی خواهد بود.

کانال رسمی آیت‌الله سید حسن عاملی
https://telegram.me/seyed_hasan_ameli

طلاق عاطفی و راهکارهای درمان آن

موسی شریف‌زاده

یکی از معضلات اجتماعی، همسرانی هستند که از نظر عاطفی گرفتار جدایی هستند هرچند که از ابعاد دیگر هیچ اختلاف و جدایی از هم ندارند. این افراد همانند دو فرد منطقی به دور از هر گونه ارتباط عاطفی با هم زندگی می‌کنند؛ اگر ارتباط عاطفی میان آنان باشد تنها در حد ارتباط میان دوستان و افراد هم‌اتاقی در یک خوابگاه است بدون هیچ گرایش جنسی و عاطفی در مدار و محور همسران یا دو جنس مخالف. ممکن است این همسران به علل و عوامل درونی یا بیرونی تا مدت‌های طولانی در کنار هم باقی بمانند، بی‌آنکه هیچ رابطه زناشویی و جنسی را تجربه کنند. طلاق عاطفی یک رفتار با علل روان‌شناسی و بازتاب‌های اجتماعی است، از این رو در روان‌شناسی اجتماعی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. نویسنده در این مطلب به بررسی این معضل فراگیر کنونی در جامعه پرداخته و برخی راهکارها برای درمان آن را بیان کرده است.

تعدد و تنوع‌گرایی مردان

انسان از نظر روان‌شناسی پیچیده‌ترین آفریده الهی است؛ زیرا ساختاری دارد که همه اسمای متضاد و بلکه متناقض الهی را در خود جمع کرده است. (بقره، آیه ۳۱)

در آیات قرآن، برای آدمی صفاتی چون جهول، ظلوم، عجول از یک سو و صفاتی چون خلیفه‌الله، عبدالله و مانند آن بیان شده است.

انسان‌ها به سبب حالت اعتدال ذاتی از یک سو و داشتن عنصر اراده و اختیار از سوی دیگر می‌توانند گرایش به حق و باطل یافته و یا در یک زمان به هر دو گرایش داشته باشند یا در فرآیندی غلبه با یکی از دو گرایش باشد.

همچنین انسان‌ها در ذات خویش گرایش‌هایی فطری یا متاثر از محیط دنیا دارند که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت و در تحلیل رفتارهای آنان بی‌شناخت و توجه به این موارد سخنی بر زبان جاری کرد و تحلیل و یا توصیه‌ای ارائه داد. به عنوان نمونه خداوند در قرآن، از محبت و علاقه انسان به متعلقاتی سخن گفته و فرموده است: زین‌للناس حب‌الشهوات من النساء والبنین والقناطیر المقنطره من الذهب و الفضه و الخیل المسومه و الانعام و الحرث ذلک متاع الحیاه الدنیا والله عنده حسن المآب؛ محبت خواستنی‌های گوناگون از زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و دامها و کشتزارها برای مردم آراسته شده لیکن این همه، مایه تمتع زندگی دنیاست و حال آنکه فرجام نیکو نزد خداست. (آل‌عمران، آیه ۱۴)

بنابراین از نظر قرآن، ساختار انسان‌ها به گونه‌ای است که علاقه و محبت آنها به این امور در ذات آنان نهادینه شده است. این علاقه هرچند در گام نخست و پیش از هرچیز به جنس زن است، اما در نهایت ممکن است جابجایی در آنها انجام شود. از نظر قرآن گرایش و علاقه مردان حتی به جنس زن می‌تواند به گونه‌ای باشد که از زنی به زنی دیگر جابه‌جا شود. از این رو واژه «النساء» در آیه به کار رفته تا افزون بر بیان گرایش مردان به جنس زن، به گرایش مردان به تعدد زوجات نیز توجه داده شود.

خداوند در قرآن نه‌تنها از این گرایش مردان به تعدد زوجات به عنوان یک ویژگی مردانه سخن به میان آورده، بلکه به عنوان حکم شرعی که مطابق با فطرت مردان است، جواز تعدد زوجات را تا چهار زن جایز دانسته و فرموده است: فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع؛ هر چه از زنان دیگر که شما را پسند افتاد دو یا سه یا چهار همسر به زنی گیرید. (نساء، آیه ۳)

بنابراین، در تحلیل رفتارهای انسان‌ها نمی‌توان به دور از این واقعیت سخن گفت و توصیه هایی که در قالب قوانین و مقررات ارائه می‌شود نباید به دور از این حقیقت و واقعیت‌ها باشد؛ زیرا نادیده گرفتن این واقعیت‌ها و حقایق می‌تواند به قضاوت نادرست منجر شود و توصیه‌ها و راهکارهای برون‌رفت از مشکل یا معضلی، بی‌فایده و حتی زیانبار باشد.

قرآن هشدار می‌دهد که نادیده گرفتن ساختارهای انسانی و واقعیت‌های آن می‌تواند بسیار خطرناک و پرضرر باشد. به عنوان نمونه بیان می‌کند کسانی که واقعیت گرایش انسان به جنس مخالف را نادیده می‌گیرند و به وضع قوانینی چون رهبانیت اقدام می‌کنند تا بی‌همسر باقی بمانند، در نهایت گرایش به فسق و فجور و هم‌جنس‌گرایی می‌یابند؛ چنانکه رهبانان مسیحی و کشیشان آن مبتلا شده‌اند؛ چرا که نمی‌توان غریزه طبیعی جنسی را سرکوب کرد و آن را نادیده گرفت. (حدید، آیه ۲۷)

خداوند با توجه به مسئله گرایش شدید مردان به مسئله شهوت جنسی، حتی محدودیت زناشویی در شب‌های ماه رمضان را برمی‌دارد تا زمینه خیانت به احکام الهی فراهم نشود و مردان با زناشویی در این شب‌ها و مخالفت با احکام الهی گرفتار خشم خداوند نشوند. قرآن در این باره می‌فرماید: در شب‌های روزه همخوابگی با زنانتان بر شما حلال شده است، آنان برای شما لباس هستند و شما برای آنان لباس هستید، خدا می‌دانست که شما با خودتان ناراستی می‌کردید، پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت پس اکنون در شبهای ماه رمضان می‌توانید با آنان همخوابگی کنید و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته طلب کنید. (بقره، آیه ۱۸۷)

علت اینکه خداوند به این امور فطری و غریزی توجه می‌کند، همان احتمال خیانتی است که از سوی انسان‌ها می‌رود، زیرا انسان‌ها به طور طبیعی نمی‌توانند با خواسته‌های نفسانی و غریزی خود مخالفت کرده و آن را سرکوب کنند و تسلیم آن می‌شوند.

منشأ بروز کراهت عاطفی تنها مربوط به امور زناشویی نمی‌شود بلکه عوامل دیگری نیز در پیدایش طلاق عاطفی دخیل است که عمدتا ناشی از نحوه رفتارهای طرفین نسبت به هم و کاهش عواطف و احساسات یک‌طرف نسبت به طرف دیگر و عدم ابراز آن می‌شود. در این پدیده شوم خانوادگی زن و شوهر چه بسا از لحاظ مادی و نیازهای زندگی هیچ کمبودی نداشته باشند اما تنها گمشده آنها وجود عاطفه و محبت و صمیمیت و علاقه قلبی به همدیگر است.

از آنجا که شریعت اسلام مطابق با فطرت انسانی است (روم، آیه ۳۰) بر آن است تا احکام را به گونه‌ای بیان کند که قابل اجرا برای همگان باشد و هر کسی به میزان طاقت عمومی بشری خود بتواند از عهده آن برآید. از این رو قوانین و احکام براساس الگوهای عمومی رفتار آدمی شکل گرفته است نه گروه‌های خاص و ویژه. بنابراین، آنچه مدنظر در تشریع احکام قرار گرفته است، ساختارهای طبیعی و فطری بشر (روم، آیه ۳۰) و توانایی انجام آن است. (بقره، آیات ۲۳۳ و ۲۸۶؛ انعام، آیه ۱۵۲)

پس همه احکام اسلامی براساس این مبانی و اصول مهم وضع شده است و نادیده گرفتن اینها می‌تواند همان بلایی را بر سر جامعه انسانی بیاورد که دیروز در غرب مسیحی عدم جواز طلاق با خیانت همسران و امروز با عدم توجه به مسئله تعدد زوجات با خیانت همسران به شکل دیگر به وجود آورده است.

طلاق؛ راهی برای رهایی

طلاق در لغت به معنای رهایی از بند است. این واژه به طور استعاره برای رهایی زن از بند نکاح به کار رفته است. (مفردات الفاظ قرآن کریم، ص ۵۲۳، «طلق».) در اصطلاح و فرهنگ قرآنی طلاق به معنای ایقاعی است که با آن شوهر، عقد نکاح را از بین می‌برد. به سخن دیگر، اگر ازدواج، عقد نیازمند دو طرف است، طلاق از ایقاعات است که نیازمند دو طرف نیست، بلکه با عمل یک طرف تحقق می‌یابد. در ایقاع طلاق این شوهر است که اختیار ابطال عقد را دارا است و می‌تواند همسرش را طلاق دهد. البته در فرهنگ قرآنی غیر از واژه طلاق و مشتقات آن و از واژه «سراح » به معنای رها کردن و مشتقات آن و نیز «فرق» و افتراق و مشتقات آن استفاده شده است.

طلاق از قوانین شرعی و احکام الهی است. (بقره، آیات ۲۲۹ و ۲۳۰؛ طلاق، آیه۱) بنابراین، طلاق به عنوان یک فعل شرعی دارای مشروعیت است و بر همه کسانی که ارتباطی با طلاق دارند واجب است تا احکام آن را مراعات کنند و از آن تعدی نکنند. (همان)

اصولا انسان‌ها به دلایلی همچون دارا بودن اراده و اختیار، موجوداتی شگفت هستند . تضاد اراده‌ها یکی از مهم‌ترین مسائل در روابط اجتماعی میان انسان‌ها است. بنابراین، نمی‌توان امید داشت که هر ارتباطی بدون تضاد بلکه تناقص اراده‌ها به شکل دائمی باقی و برقرار باشد؛ زیرا دگرگونی در احوالات آدمی و خواسته‌ها و آرزوها یک امر طبیعی در آدمی است. پس همان‌طوری که دوران‌های کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی و پیری اقتضائاتی دارد که شامل لعب، لهو، تفاخر، تکاثر در اموال و اولاد است (حدید، آیه ۲۰) همچنین خواسته‌ها و آرزوهای افراد می‌تواند از علاقه به زنان،به علاقه در مال یا مقام یا برعکس تبدیل شود. و نیز علاقه به کسی ممکن است جایگزین علاقه به کسی دیگر شود.

مردان به دلایلی مسئولیت خانوار را به عهده دارند. از مهم‌ترین دلایلی که این نقش به عهده آنان گذاشته شده، ساختار طبیعی بدن و کالبد جسمانی آنان است که نوعی برتری و فضیلت به آنان بخشیده است. دیگر آنکه فعالیت‌های تولیدی که بر پایه فیزیک بدن است، از عهده آنان برمی‌آید. همچنین مسئولیت انفاق و برآوردن نیازهای مالی خانواده برعهده آنان است. به این دلایل است که مردان به عنوان قوام خانواده مطرح هستند همان‌طوری که مال و ثروت، مایه قوام اجتماع و ستون اصلی آن است. (نساء آیات ۵ و ۳۴)

از نظر قرآن در شرایطی که همسران نتوانستند باهم کنار بیایند و مردان و زنان گرفتار مساله نشوز شده و جدایی و تفرقه بویژه در حوزه رفتار جنسی پدید آمد، می‌توانند از حق طلاق استفاده کنند تا آرامش و آسایش به خانه بازگردد؛ زیرا هدف از ازدواج تامین عناصر سعادت و خوشبختی است که با آرامش و آسایشی تامین می‌شود. (روم، آیه ۲۱) بنابراین، وقتی آرامشی در خانه نباشد، به طور طبیعی آسایشی نخواهد بود. از همین رو تغییر این سازه و ایجاد سازه دیگر با همسری دیگر، بهتر از بقای خانه در آشوب و اضطرابی است که پیامدهای آن دیگران و جامعه را نیز دربرمی‌گیرد.

البته در برخی از روایات اهل سنت از پیامبر (ص)، از طلاق به مبغوض‌ترین حلال یاد شده است: ابغض الحلال الی الله الطلاق؛ منفورترین چیزهای حلال در پیش خدا طلاق است. (سنن ابی داود، کتاب الطلاق، ح ۱۸۶۳) اما به نظر می‌رسد در این‌باره باید اما و اگر داشت؛ زیرا حلال با بغض جمع نمی‌شود؛ چرا که در برابر حب و نقیض آن است. پس اگر بغض باشد حبی در کار نیست و معنا ندارد که چیزی حلال باشد و محبت الهی به آن تعلق نگرفته باشد؛ بلکه خداوند از روی محبت به انسان است که چیزی را حلال کرده است. وقتی چیزی حلال می‌شود به این معنا است که آن چیز برای کلیت جریان کمالی انسان مفید و سازنده است و مصلحت قوی یا اقوی در میان است و هرجا که بغض و عدم محبت باشد مانند تعدی، فرح،استکبار، اختیال و فخور، اسراف و تبذیر (مائده،آیه ۸۷؛ قصص، آیه ۷۶؛ لقمان، آیه ۱۸؛ اسراء، آیه ۲۷؛) در این موارد مصلحتی در کار نیست بلکه مفسده‌ای وجود دارد.

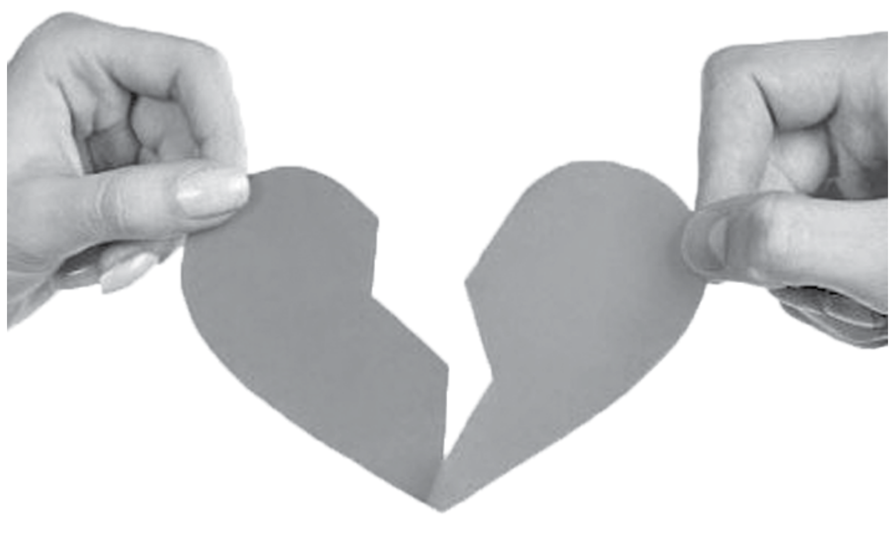

سوگمندانه باید اعتراف کرد که در زمان حاضر که روزگار توسعه و تکنولوژی و پیشرفت است و بخصوص با پدید آمدن فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، روابط عاطفی زن و شوهرها بشدت کمرنگ شده و می‌رود تا به قهقرا کشیده شود.

باید توجه داشت که طلاق نباید به سادگی انجام شود، بلکه باید علل و عوامل اضطراب و آشوب و فقدان آرامش و آسایش در خانه و در میان زن و شوهر شناخته و تحلیل شود و برای درمان آن تلاش کرد و در صورتی که جز طلاق رهایی نباشد، آن هنگام اقدام کرد.

طلاق عاطفی یا کراهت نسبت به یکدیگر

در آیات قرآن درباره انشقاق یا طلاق عاطفی سخن به میان آمده اما این عبارت نادرست یعنی طلاق به کار نرفته است؛ زیرا طلاق به معنای رهایی است؛ در حالی که مشکل معضل موجود میان زن و مرد طلاق نیست، بلکه نوعی کراهت و ناخشنودی نسبت به یکدیگر و عدم وجود عواطف و محبت است.

خداوند می‌فرماید: و عاشروهن بالمعروف فان کرهتموهن فعسی ان تکرهوا شیئا و یجعل الله فیه خیرا کثیرا؛ با زنان به شایستگی و عرف پسندیده معاشرت و رفتار کنید و اگر از آنان خوشتان نیامد و کراهت داشتید؛ پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن، خیر فراوان قرار می‌دهد. (نساء آیه ۱۹)

در این آیه خداوند از کراهت زن و شوهر نسبت به یکدیگر سخن گفته است. اصولا انسان‌ها ممکن است به سبب رفتاری نسبت به هم کراهت یابند؛ هرچند که در آغاز به هم علاقمند باشند. محبت و علاقه، امری عاطفی و قلبی است و می‌تواند با دگرگونی احوال تغییر کند و قلب چون بسیار متغیر است ممکن است هر از گاهی به حالی در آید. این تغییر احوال در بسیاری از موارد به نوع رفتار و کردار طرفین بستگی دارد.

البته خداوند به این نکته توجه می‌دهد که مردان به سادگی بر اثر دیدن،ممکن است نسبت به زنی گرایش و دلبستگی پیدا کنند. خداوند به پیامبر(ص) می‌فرماید: لا یحل لک النساء من بعد ولا ان تبدل بهن من ازواج ولو اعجبک حسنهن الا ما ملکت یمینک و کان الله علی کل شیء رقیبا؛ از این پس دیگر گرفتن زنان و نیز اینکه به جای آنان زنان دیگری بگیری بر تو حلال نیست هرچند زیبایی آنها برای تو مورد پسند افتد و تو را به شگفتی و تعجب افکند، به استثنای کنیزان؛ و خداوند همواره بر هر چیزی مراقب است. (احزاب، آیه ۵۲) همچنین سخن ظریف زنان و صدای زیورآلات زنانه می‌تواند مردان را تحریک کند و گرایش جنسی را سبب و تعرضاتی را موجب شود. (احزاب آیه ۳۲)

بنابراین با توجه به گرایش مردان به تعدد زوجات و گرایش‌های آنان به تنوع طلبی و تاثیرپذیری از حرکات و تحرکات زنان،زمینه کراهت نسبت به همسران ممکن است در آنها پیدا شود. از سوی دیگر، زنان تا زمانی که اعتماد به مردی پیدا نکنند رابطه زناشویی نخواهند داشت و لذتی هم نمی‌برند.

رضایت زنان از زناشویی نیازمند هنر و رفتارهای ظریف و لطیف از سوی مردان است. اگر مردی بدون رعایت برخی نکات اقدام به زناشویی کند، در فرآیندی کراهت عاطفی و عدم میل و گرایش به زناشویی در زن تقویت می‌شود. همچنین زنان در دوران حیض و نفاس و حاملگی و یائسگی گرایش کمتر به زناشویی داشته یا از آن اجتناب می‌کنند. همین امور موجب نوعی کراهت عاطفی میان همسران شده که گاه از آن به نشوز مردان یا عدم تمکین یاد می‌شود.(نساء، آیات ۱۲۸ و ۳۴)

البته منشأ بروز کراهت عاطفی تنها مربوط به امور زناشویی نمی‌شود بلکه عوامل دیگری نیز در پیدایش طلاق عاطفی دخیل است که عمدتا ناشی از نحوه رفتارهای طرفین نسبت به هم و کاهش عواطف و احساسات یک‌طرف نسبت به طرف دیگر و عدم ابراز آن می‌شود. در این پدیده شوم خانوادگی همان‌طور که از نامش پیداست زن و شوهر چه بسا از لحاظ مادی و نیازهای زندگی هیچ کمبودی نداشته باشند اما تنها گمشده آنها وجود عاطفه و محبت و صمیمیت و علاقه قلبی به همدیگر است.

به عبارت دیگر در چنین حالتی آن مودت و رحمتی که خداوند در آیه ۲۱ سوره دوم به وجود آن در میان زن و شوهر تصریح کرده: «و جعل بینکم مودة و رحمة» با رفتارهای نسنجیده و بی‌مسئولانه و سهل‌انگارانه یک طرف یا دو طرف، مورد خدشه قرار می‌گیرد و کمرنگ می‌شود. در چنین وضعیتی می‌گویند کراهت عاطفی یا طلاق عاطفی رخ داده است.

سوگمندانه باید اعتراف کرد که در زمان حاضر که روزگار توسعه و تکنولوژی و پیشرفت است و بخصوص با پدید آمدن فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، روابط عاطفی زن و شوهرها بشدت کمرنگ شده و می‌رود تا به قهقرا کشیده شود.

طلاق عاطفی یا همان کراهت و ناخوشی همسران از یکدیگر یک امر طبیعی روان‌شناختی با آثار اجتماعی است که باید از ابعاد گوناگون بررسی و تحلیل و توصیه‌های مثبت و سازنده‌ای ارائه شود و این موضوع به طور گسترده توسط کارشناسان دینی و خانواده و روانشناسان و صاحب‌نظران دخیل در موضوع بررسی و واکاوی شود و رسانه‌ها برای حل این معضل فراگیر کمر همت بربندند.

پدیده طلاق عاطفی متاسفانه همه‌گیر شده و کمتر زن و شوهری را می‌توان یافت که روابط گرم و محبت‌آمیز میانشان حاکم باشد. این معضل، ظاهرا به درد بی‌درمانی بدل شده و فراگیری آن روز به روز بیشتر می‌شود.

برخی راهکارهای زدودن کراهت یا طلاق عاطفی

قرآن برای رفع کراهت عاطفی یا به قول امروزی‌ها طلاق عاطفی چند راهکار بیان کرده که ما در اینجا به دو مورد آن اشاره می‌کنیم:

الف) حفظ خانواده با وجود کراهت و ناخوشی: از نظر قرآن اگر خانواده‌ای شکل گرفت باید باقی و برقرار بماند. اصولا نفس انسانی تحت تاثیر شهوات بویژه شهوت جنسی گرایش به زیاده‌روی و اسراف دارد. از این رو اسرافی به نام همجنس‌گرایی در کسانی که گرایش شدید جنسی دارند به وجود می‌آید؛ زیرا آنان دیگر توسط جنس مخالف ارضا نمی‌شوند و برای ارضای شهوت دنبال جایگزین از جنس موافق و حتی حیوانات می‌روند. (اعراف، آیه ۸۱) امروز در غرب به سبب اینکه کودکان از خردسالی با مسائل جنسی آشنا هستند و رفتار جنسی دارند، پس از مدتی از جنس مخالف زده شده و دنبال جنس موافق و سپس سگ و گربه می‌روند. خداوند می‌فرماید: و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلا عظیما؛ (خدا می‌خواهد شما را ببخشد اما آنها که پیرو شهوتند می‌خواهند شما به کلی منحرف شوید) (نساء، آیه ۲۷) خداوند خواهان مهار و مدیریت خواهش‌های نفسانی بویژه شهوت و آن هم از نوع شهوت جنسی می‌شود؛ زیرا با مهار این غریزه و اشباع به حد نیاز و ضرورت، زمینه رشد عقل و دیگر قوای معنوی فراهم می‌آید و انسان از بدبختی و مشکلات حاکمیت غرایز رها می‌شود.

از نظر قرآن، حفظ همسر با همه کراهت به عنوان خیر کثیر مطرح است(نساء، آیه ۱۹)؛ خیر هر نعمتی است که مناسب برای انسان است و انسان را به کمال می‌رساند. بسیاری از پیامبران از جمله حضرت لوط و حضرت نوح(تحریم، آیات ۱۰ و ۱۱) و نیز خود پیامبر مکرم(ص)، گرفتار زنانی بودند که به سبب رفتار ناروا و نادرست نوعی کراهت را در آنان ایجاد کرده بودند. و حضرت محمد(ص) با آنکه مجوز طلاق را داشت آنان را نگه داشت.(تحریم، آیه ۵) در داستان‌های علمای اعلام نیز آمده است که برخی از آنان زنانی داشتند که با همه اذیت و آزار از سوی همسران با آنان را نگه داشتند و حاضر به طلاق نشدند که از آن جمله می‌توان به آیات عظام آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری اشاره کرد.

درباره تحمل آیت‌الله خوانساری نسبت به تحقیرها و هتاکی‌های همسرش نقل است: همسر مرحوم «آیت‌الله سیداحمد خوانساری» به کلاس درس ایشان که مرجع تقلید بودند، می‌آمد وجلوی چشم طلبه‌ها با کفش به سر ایشان می‌کوبید که چرا فلان کار را کردی؟

یکی از علما نقل می‌کرد که در اندرونی خانه «آیت‌الله سیداحمد خوانساری» مشغول صحبت کردن بودیم که همسرشان وارد اتاق شد و به‌خاطر اینکه بلند صحبت کرده‌ایم، دو دستی چنان محکم بر سر آقا کوبید که عمامه‌شان افتاد. «آیت‌الله خوانساری» عمامه را برداشتند و مرتب کردند و چیزی نگفتند. خانم بیرون رفت و آقا بحث را ادامه دادند.

عده‌ای به ایشان می‌گفتند: این زن بداخلاق را طلاق بدهید. ولی آیت‌الله خوانساری می‌گفتند: همه به من می‌گویند مرجع تقلید جهان اسلام، ولی بالاخره باید یکی باشه که به سر من بزند.

این‌گونه افراد از این اتفاقات در زندگی خود به عنوان فرصت استفاده می‌کردند. با این ادله که اگر من در خانه تحقیر می‌شوم، از این تهدید برای فرصت‌سازی باید استفاده کنم. چراکه خدا این همسر را برای من خلق کرده تا غرور بیرونی پیدا نکنم. من که عزت بیرونی دارم، باید ذلت درونی داشته باشم. همسر لوط و نوح(ع)، همسر آسیه همان ذلت درونی بودند. (از حوزه‌نیوز)

ب) جدایی موقت: یکی از راهکارهای حل معضل و مشکل کراهت عاطفی میان همسران، هجرت و جدایی موقت و نه طلاق است. این جدایی می‌تواند با پشت کردن به یکدیگر شروع شود و با هجرت از اتاق و سفر کوتاه و مانند آن افزایش می‌یابد تا حالت کراهت از میان برود (نساء، آیه۳۴)؛ چراکه ترک زناشوئی برای مدتی، می‌تواند شعله شهوت را زیاد کند. در روایات است که در این مدت زنان بهترین پوشش را بر تن کرده و به خود عطر زنند و بیارایند و عشوه و کرشمه کنند تا مردان را جذب کنند. اگر زن گرفتار کراهت عاطفی است با ترک هم‌خوابگی در مدتی می‌تواند دوباره به حالت عادی بازگردد و مردان در این زمان باید خریدار ناز او باشند و به خوبی با او رفتار کنند که این تاکید در روایات بسیاری آمده است. سفرهای طولانی نیز می‌تواند کارساز باشد.

علاوه بر دو راهکار فوق در آیات قرآن برای حل این مسئله به احسان به عنوان رفتاری فراتر از حالت عادی توجه داده شده تا کراهت زنان نسبت به مردان کاهش یابد یا ازمیان برود. (نساء، آیه ۱۲۸)

همچنین در این زمان درد دل کردن با خدا و تضرع و مناجات با او می‌تواند خشم و کراهت را کاهش دهد. انسان بهترین سنگ صبور مطمئنی که می‌تواند پیدا کند همان خدا است؛ (اعراف، آیه ۲۰۵) زیرا گفتن به دیگران نه تنها مشکلات را حل نمی‌کند بلکه آن را گسترش داده و دامن می‌زند. چنانکه در تاریخ آمده علی(ع) بر اثر کثرت اندوه و مشکلاتش با چاه درددل می‌کرد.

به هرحال، طلاق عاطفی یا همان کراهت و ناخوشی همسران از یکدیگر یک امر طبیعی روان‌شناختی با آثار اجتماعی است که باید از ابعاد گوناگون بررسی و تحلیل و توصیه‌های مثبت و سازنده‌ای ارائه شود و این موضوع به طور گسترده توسط کارشناسان دینی و خانواده و روانشناسان و صاحب‌نظران دخیل در موضوع بررسی و واکاوی شود و رسانه‌ها برای حل این معضل فراگیر کمر همت بربندند. آنچه در اینجا بیان شد تنها بخشی از حقایق این موضوع و راهکارهای اسلامی بود.

چراغ راه

پاداش احسان خالصانه به برادر دینی

قال‌الامام‌الحسین(ع): «من اراد الله تبارک و تعالی بالصنیعه الی اخیه کافأه بها فی وقت حاجته، و صرف عنه من بلاء الدنیا ما هو اکثر منه»

امام‌حسین(ع) فرمود: هرکس به قصد رضایت و خشنودی خداوند تبارک و تعالی به برادر دینی خود احسان و نیکی نماید و خیری برساند، خداوند پاداش آن را هنگام نیازمندیش عطا می‌فرماید، و از گرفتاری‌های دنیای او بیشتر از اندازه احسانش برطرف می‌سازد.[1]

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۲

حکایت خوبان

عاقبت بخیری «حربن یزید ریاحی»

در آخرین روزهای ماه ذی‌الحجه سپاه هزارنفری «حربن یزید ریاحی» به قافله امام حسین(ع) رسید. امام حسین(ع) از او پرسیدند: «با مایی یا ضد ما؟!» حر پاسخ داد: بر ضد شما آمده‌ام تا شما را به کوفه نزد «ابن‌زیاد» ببرم. امام حسین(ع) فرمودند: به کوفه نمی‌آیم و برمی‌گردم. ولی «حر» با بازگشت امام حسین(ع) مخالفت کرد و گفت: تا رسیدن دستور جدید، حق بازگشت ندارید! حر نامه‌ای به ابن‌زیاد نوشت و کسب تکلیف کرد. ذخیره آب سپاه «حر» تمام شده بود و امام حسین(ع) دستور دادند به سپاه دشمن آب بدهند و حتی اسب‌های سپاهیان را نیز سیراب کنند!!

«طرماح بن عدی» به امام حسین(ع) گفت! بهتر است قبل از اینکه سپاه کامل دشمن برسد، همین‌جا با سپاه هزار نفری حر بجنگید! امام حسین(ع) قبول نکردند و فرمودند: ما با حر قراری گذاشتیم که از آن تخلف نخواهیم کرد.

«ابن زیاد» پاسخ نامه حر را داد: حسین‌بن علی را در جایی که آب و آبادی نباشد نگه‌دار تا سپاه عمر سعد برسد. حر به دستور عمل کرد و امام حسین(ع) روز دوم محرم، به کربلا رسید. امام حسین(ع) می‌خواست که در قریه نینوا توقف کند، اما حر اجازه نداد و امام حسین(ع) مجبور به توقف در کربلا شد.

زهیربن قین به امام حسین(ع) گفت: تا جمعیت دشمن اندک است، بیایید با آنها بجنگیم! امام حسین(ع) پاسخ دادند: تا آنها جنگ را آغاز نکنند، من شروع‌کننده جنگ نخواهم بود. با رسیدن عمرسعد، ماموریت حر به پایان رسید.حر توانسته بود از بازگشت امام حسین(ع) جلوگیری کند و او را در منطقه‌ای بی‌آب و علف متوقف نماید. صبح روز عاشورا حر نزد امام حسین(ع) آمد و عرض کرد: من همان کسی هستم که آن کارها را کردم! آیا راه توبه برای من باز است؟! امام حسین(ع) بدون یادآوری گذشته فرمودند: بله! توبه‌ات قبول است. بشارت می‌دهم تو را به اینکه هم در این دنیا و هم در آخرت حر و آزاده هستی.[1]

۱- تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۰۱

پرسش و پاسخ

چرایی نقض عهد کوفیان

پرسش:

چرا کوفیانی که با آن همه شور و شوق به امام‌حسین(ع) نامه نوشتند و برای بیعت و تشکیل حکومت اعلام آمادگی کردند، به قول خود وفادار نماندند و نقض عهد کردند و علیه امام جنگیدند؟

پاسخ:

در دو بخش قبلی پاسخ به این سئوال ضمن طرح دو سئوال مقدماتی شامل: ۱- علت نامه‌نگاری کوفیان و دعوت از امام‌حسین(ع) ۲- بکارگیری سازوکارهای سرکوب قیام توسط عبیدالله بن‌زیاد به سئوال اول پاسخ داده شد. اینک در ادامه دنباله مطلب را پی می‌گیریم.

اما در ارتباط با اینکه عبیدالله بن‌زیاد از چه ابزارها و سازوکارهایی برای سرکوب قیام کوفه بهره گرفت ابعاد روانی، اجتماعی و اقتصادی را به شرح زیر مطرح می‌کنیم:

۱- سیاست‌های روانی

ابن زیاد این سیاست را که عمدتا حول محور تهدید و تشویق می‌چرخید، از همان آغاز ورود خود به کوفه در پیش گرفت. او در اولین سخنرانی‌اش در مسجد جامع کوفه، خود را برای فرمانبرداران همانند پدری مهربان معرفی کرد و نسبت به نافرمانان، شمشیر و تازیانه‌اش را به رخ کشید.

به رخ کشیدن سپاه شام و خبر از حرکت این سپاه از شام به کوفه، برای سرکوبی عاصیان نیز یکی دیگر از حربه‌هایی بود که از سوی او به کار گرفته شد و در خاموش کردن شورش کوفیان ـ به ویژه پس از آنکه به همراه مسلم قصر دارالاماره را محاصره کرده بودند ـ بسیار مؤثر افتاد. کوفیان پس از صلح امام حسن(ع) ـ که آخرین رویارویی آنها با سپاه شام بود ـ ابهّت فراوانی از آن سپاه یکپارچه در ذهن خود ترسیم کرده و به هیچ وجه در خود توان مقابله با آن را نمی‌دیدند! همین تبلیغات بود که به میان جامعه پرده‌پوش زنان نیز سرایت کرد؛ به گونه‌ای که آنها به سوی خویشان خود (همچون برادر یا شوهر که در سپاه مسلم بودند) آمده و او را از سپاه جدا می‌کردند.

بالاخره همین تبلیغات بود که مسلم را ـ که در میانه روز با چهارهزار نفر قصر را محاصره کرد و عبیدالله را در آستانه سقوط قرار داده بود ـ در اوایل شب یکه و تنها در کوچه‌های کوفه سرگردان کرد.

۲- سیاست‌های اجتماعی

از آنجا که انسجام و نظام قبیلگی هنوز پایداری خود را داشت، اشراف و رؤسای قبایل، مهم‌ترین نیروی تأثیرگذار اجتماعی در رخدادهای سیاسی بودند، و همان‌طور که گفته شد، تعداد زیادی از آنها (همچون شبث بن ربعی، عمرو بن حجاج و حجار بن ابجر) در نهضت نامه‌نگاری شرکت فعال داشتند و طبعا به دنبال ورود مسلم به کوفه به او پیوستند.

اما اینان که بیشتر به دنبال حفظ موقعیت و مقام خود بودند، با ورود عبیدالله به کوفه و مواجه شدن با تهدیدهای او؛ دست کشیدن از مسلم و پیوستن به سپاه عبیدالله را مناسب با دنیای خود دیدند و به سرعت از نهضت روی‌گردان شدند؛ زیرا عبیدالله به خوبی می‌دانست که چگونه آنها را به دور خود جمع کند. او با در پیش گرفتن سیاست تهدید و نیز تطمیع با رشوه‌های کلان، توانست نیروی‌اشراف و رؤسای قبایل را به سمت خود کشاند؛ چنان‌که مجتمع بن عبدالله عائذی ـ که به خوبی اوضاع کوفه را می‌شناخت و به تازگی از کوفه بیرون آمده و به سپاه امام حسین(ع) پیوسته بود ـ درباره وضعیت آنان، این چنین به امام(ع) گزارش می‌دهد:

«به‌اشراف کوفه رشوه‌های کلان پرداخت شده و جوال‌های آنها را پر [از جو و گندم] کرده‌اند، دوستی آنان تصاحب شده و خیرخواهی‌شان را برای خود برداشته‌اند و آنها یکپارچه علیه تو گشته‌اند...».

ادامه دارد

صفحه معارف روزهای: شنبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنجشنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maaref@kayhan.ir